

باسمه تعالی

وجه دوم: تمسک به وجدان.....

استدلال بر تفصیل بین قبح فعلی و فاعلی.....

موضوع: حجج و امارات (قطع / قبح تجرّی)

خلاصه مباحث گذشته:

در جلسات گذشته بحث در مقام اول از بحث تجرّی یعنی بررسی قبح تجرّی بود. دو وجه برای اثبات عدم قبح بیان شده و نقد شد. یک وجه نیز برای اثبات قبح بیان شد و مورد نقد قرار گرفت. در این جلسه وجه دومی برای اثبات قبح بیان می‌شود.

وجه دوم: تمسک به وجدان

وجه دیگر برای اثبات قبح تجرّی، تمسک به وجدان است. با پذیرش دو مقدمه بالوجدان، قبح تجرّی نیز ثابت خواهد بود: مقدمه اول اینکه تجرّی، هتک مولی است. توضیح اینکه فرض شود زید آبی شرب نموده که قطع دارد آن شرب، معصیت است. در ضمن زید قطع دارد معصیت خداوند قبیح بوده و هتک مولی است. به نظر می‌رسد در این موارد، فعل زید در نظر عرف «هتک خداوند» محسوب می‌شود.

مقدمه دوم اینکه فعل متجرّی به، از افعال ارادی اختیاری است. توضیح اینکه با قبول مقدمه اول و فرض اینکه فعل زید، هتک است، به نظر می‌رسد این شرب هم ارادی است و هم اختیاری است؛ زیرا زید واقعاً قصد هتک مولی را داشته، اما گمان کرده هتک «بالمعصیه» محقق خواهد شد در حالیکه هتک «بالتجرّی» محقق شده است.

با پذیرش وجدانی این دو مقدمه، معلوم می‌شود فعل متجرّی به قبیح است. مرحوم آخوند این فعل را هتک غیر اختیاری دانسته لذا قبح آن را قبول نکرده است، اما به نظر می‌رسد این فعل هتکی اختیاری بوده و قبیح خواهد بود. در نتیجه به نظر می‌رسد تجرّی قبیح است، و قول دوم مورد قبول است.

استدلال بر تفصیل بین قبح فعلی و فاعلی

مرحوم میرزای نائینی فرموده فعل قبیح دو قسم است: فعلی که «قبح فعلی» دارد؛ و فعلی که «قبح فاعلی» دارد؛ مراد از «قبح فاعلی» این نیست که فاعل قبیح است، بلکه خود فعل قبیح دو قسم دارد. از آنجا که مرحوم میرزا به کلام مرحوم شیخ

۱. فعلی قصدی است که فاعل آن قصد انجام آن را داشته، و یا فاعل علم و التفات به آن داشته باشد؛ به عنوان مثال همین که زید می‌داند شرب این مایع حرام است و با التفات به حرمت آن را شرب نماید، قصد معصیت محقق شده است. به عبارت دیگر لازم نیست خصوص معصیت را قصد نماید.

انصاری بسیار اهتمام دارد، دو کلام شیخ را قبول نموده است. اول اینکه شیخ فرموده «تجرّی قبیح نیست»، مرحوم نائینی فرموده این کلام صحیح است و مراد همان قبح فعلی است، اما تجرّی قبح فاعلی دارد؛ دوم اینکه شیخ فرموده «متجرّی استحقاق عقوبت ندارد»، مرحوم نائینی فرموده این کلام نیز صحیح است، زیرا عقاب دائر مدار قبح فاعلی نبوده و مبتنی بر قبح فعلی است. بعد از ایشان در تفسیر کلام ایشان اختلاف شده است. تفاوت قبح فعلی و قبح فاعلی معلوم نیست. برخی مانند شهید صدر فرموده‌اند کلام ایشان مجمل، بلکه متعارض است (زیرا در تفسیر این کلام شاگردان میرزا نیز اختلاف دارند، مرحوم کاظمینی در فوائد تفسیری متفاوت با مرحوم محقق خوئی در اجود دارند). اگر کلام مجمل تفسیر شود، باید احتمالات مختلفی که ممکن است مراد باشد، بیان شود. این احتمالات متعدّد مطرح نمی‌شود، بلکه به ذکر اقرب احتمالات اکتفاء می‌شود.